

حق آزادی های دینی در آموزه های نهج البلاغه

علیرضا موسائی فراهانی^۱*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۱/۱۵

چکیده

این مطالعه به بررسی جایگاه آزادی دینی در اندیشه امام علی (ع) به عنوان یکی از برجسته ترین متفکران اسلامی و همچنین در اسناد بین المللی حقوق بشر می پردازد. نهج البلاغه که مجموعه ای از سخنان، نامه ها و حکمت های امام علی (ع) است، به عنوان یکی از مهم ترین منابع اسلامی در زمینه حقوق بشر و آزادی های فردی و اجتماعی شناخته می شود. در این اثر ارزشمند، امام علی (ع) بر اصل آزادی دینی و عدم اجبار در پذیرش دین تأکید داشته و هرگونه تبعیض و محدودیت در این زمینه را نکوهش کرده اند. این موضوع با اصول مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین المللی همسو و مشترک است؛ همچنین در نهج البلاغه و اسناد بین المللی حقوق بشر، بر حقوق اساسی انسان همچون حق حیات، آزادی، امنیت و برابری تأکید شده است. امام علی (ع) در این اثر بر برابری انسان ها و حمایت از حقوق آنان تأکید داشته و معتقد بودند که همه افراد از نظر حقوق و پاداش برابرند و هیچ کس بر دیگری برتری ندارد. این موضوع با اصل کرامت انسانی و عدم تبعیض که در اعلامیه جهانی حقوق بشر مطرح شده است، همسویی دارد. علاوه بر این، در هر دو منبع به موضوعاتی مانند آزادی بیان و عقیده اشاره شده است. این نشان می دهد که آموزه های نهج البلاغه و اسناد بین المللی حقوق بشر در زمینه حقوق بشری و آزادی های فردی و اجتماعی همسویی و تطابق قابل توجهی دارند؛ در مجموع، می توان گفت که نهج البلاغه به عنوان یکی از برجسته ترین آثار در میراث معنوی و فرهنگی جهان اسلام، با اسناد بین المللی حقوق بشر در زمینه آزادی دینی و سایر حقوق بشری همسویی دارد و این موضوع نشان دهنده اهمیت و جایگاه ویژه این اثر در تبیین و تحقق حقوق انسانی است.

واژگان کلیدی

آزادی دینی، حقوق بشر، نهج البلاغه، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های بین المللی حقوق بشر

^۱ کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه آزاد تهران جنوب، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران. ایران. alirezamousee110@gmail.com

مقدمه

اهمیت آزادی‌های دینی در زندگی روزمره آزادی دینی تأثیر مهمی بر زندگی روزمره افراد و جوامع دارد. وقتی افراد بتوانند بدون ترس و اجبار، دین و آیین خود را انتخاب و به آن عمل کنند، احساس رضایت و خشنودی بیشتری خواهند داشت. این امر موجب افزایش سلامت روانی و بهبود کیفیت زندگی می‌شود. همچنین آزادی دینی امکان مشارکت افراد در مناسک و مراسم دینی را فراهم می‌کند که نقش مهمی در تقویت پیوندهای اجتماعی و احساس تعلق افراد به جامعه دارد. از سوی دیگر، نبود آزادی دینی و تحمیل عقاید بر دیگران پیامدهای منفی زیادی به دنبال دارد. سرکوب و محدودیت آزادی‌های دینی موجب افزایش تنش، خشونت و درگیری در جامعه می‌شود (Grim & Finke, 2011, p. 10). افرادی که نمی‌توانند عقاید خود را آزادانه ابراز کنند، دچار سرخوردگی و ناامیدی می‌شوند و ممکن است به رفتارهای افراطی روی آورند. بنابراین تأمین آزادی دینی نه تنها یک حق بنیادین بشری است، بلکه برای حفظ ثبات، امنیت و آرامش جامعه نیز ضروری است. آزادی‌های دینی از جمله حقوق اساسی بشر است که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و آموزه‌های دینی مورد تأکید قرار گرفته است. بررسی نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که امام علی (ع) بر آزادی دینی و نفی اکراه و اجبار در پذیرش دین تأکید داشته‌اند. ایشان همچنین بر لزوم احترام به حقوق پیروان سایر ادیان و مذاهب تأکید کرده‌اند. آزادی دینی نقش مهمی در سلامت روانی و اجتماعی افراد و جوامع دارد و نبود آن می‌تواند به افزایش تنش و خشونت منجر شود. بنابراین لازم است که حاکمان و دولت‌ها ضمن به رسمیت شناختن آزادی‌های دینی، زمینه لازم را برای بهره‌مندی شهروندان از این حق فراهم کنند. در نگاه امام علی (ع)، آزادی دینی به معنای حق انتخاب و پیروی از عقیده و مذهب مورد نظر فرد است، بدون اینکه مورد اجبار یا تحمیل قرار گیرد. ایشان در نامه‌ای به مالک اشتر، هنگام انتصاب وی به حکومت مصر، بر رعایت عدالت و انصاف میان پیروان ادیان و مذاهب مختلف تأکید می‌کنند: «با مردم به عدالت و انصاف رفتار کن، چه دوست باشند چه دشمن، و در این راه از خدا پروا داشته باش» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) پژوهش در مورد آزادی‌های دینی در نهج‌البلاغه نه تنها از منظر دینی و تاریخی اهمیت دارد، بلکه می‌تواند در فهم بهتر و عمیق‌تر مسائل معاصر و ارائه راهکارهایی برای بهبود روابط اجتماعی و بین‌المللی مؤثر باشد. این پژوهش‌ها می‌توانند به ارتقاء دانش و درک ما از اسلام به عنوان دینی که قادر به پاسخگویی به نیازهای متغیر انسانی در عصر حاضر است، کمک شایانی کنند. بر این اساس سؤال کلیدی در پژوهش حاضر این است که: تا چه میزان در آموزه‌های نهج‌البلاغه می‌توان حق بر آزادی‌های دینی را شناسایی نمود؟ این پژوهش از روش تحلیل محتوا برای بررسی متون نهج‌البلاغه و آرای و تفسیرها و روایات مربوط به آن استفاده خواهد کرد. همچنین، برای درک بهتر مفاهیم و یافتن ارتباطات معنایی، از تکنیک‌های تفسیری و تحلیلی استفاده می‌شود. برای اطمینان از دقت تحلیل، از نظرات متخصصین علوم دینی و حقوق بشر نیز بهره گرفته خواهد شد.

پیشینه تحقیق

لیلا بهوج (۱۴۰۱) در مقاله «بررسی تطبیقی عوامل اجرای عدالت اجتماعی از منظر آیات قرآن کریم نهج‌البلاغه و سیره علوی» بیان می‌دارد که به طور خلاصه، در این متن تأکید شده است که عدالت به عنوان یک ارزش اساسی و حیاتی در اسلام و حکومت اسلامی، نقش بسیار مهمی دارد. اسلام به اجرای عدالت در تمام زمینه‌ها اهمیت زیادی می‌دهد و انحراف از آن را متابعت از هوای نفس و موجب گمراهی می‌داند. عدالت در اسلام به عنوان رمز حیا، مایه قوام زندگی مردمان، وسیله آبادانی و سازندگی شهرها، سبب نظام حکومت، بالاترین سیاست، زینت حکمران، وسیله قدرتمندی حاکم و رأس ایمان و

جامع تمام صفات توصیف شده است. حاجی غذیر مقدم (۱۴۰۱) در مقاله «آزادی بیان در حکومت اسلامی از منظر آموزه های دینی با تکیه بر نهج البلاغه» بیان می دارد می توان گفت که آزادی بیان به عنوان یکی از نعمت های الهی و حقوق اساسی انسان مورد تأکید قرار گرفته است. این آزادی باید با علم و آگاهی، ادب و اخلاق اسلامی، و بدون خودبزرگ بینی و تحقیر افراد به کار گرفته شود. از یک سو، آزادی بیان می تواند به امر به معروف و نهی از منکر، ایجاد فضای اعتماد و انتقاد سازنده منجر شود؛ اما از سوی دیگر، ممکن است با آفات نظیر کبر و تفریط، تحقیر افراد، و ایجاد بی قانونی روبه رو شود. مریم آهوخش (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی مسئله آزادی بیان و حقوق شهروندی از دیدگاه امام علی (ع)» بیان می دارد بحث حق و حقوق شهروندی از جمله مسائلی است که امام علی علیه السلام در بخش هایی از نهج البلاغه به آن پرداخته است که نمونه هایی از این حقوق عبارتند از؛ آزادی، آزادی فکر و اندیشه، آزادی بیان، حقوق متقابل حاکم و مردم، حقوق پدر و فرزندی، حقوق مردم در ارتباط با یکدیگر، حق کرامت انسانی، حقوق همسایه و... بوده است که همه این حقوق به صورت مفصل در نهج البلاغه بیان شده است. خدیجه سعادت مند (۱۳۹۵) در مقاله «گستره آزادی سیاسی و اجتماعی در اندیشه و سیره امام علی (ع) با تکیه بر نهج البلاغه» بیان می دارد گستره آزادی سیاسی و اجتماعی در اندیشه و سیره امام علی علیه السلام بسیار پررنگ و با اهمیت است و امام علیه السلام تلاش کرده است تا این حق فطری و الهی را برای تک تک افراد جامعه فراهم کند. و همواره در روش حکومتی اش، بر طبق دستورات شرع مقدس اسلام سعی داشت، که موانع آزادی سیاسی و اجتماعی را از سر راه مردم و جامعه بردارد و راه را برای آنان باز نماید.

مفاهیم و مبانی پژوهش

مفهوم آزادی های دینی

آزادی دینی، یکی از مهم ترین مفاهیم در اندیشه اسلامی است که ریشه در آموزه های قرآن کریم و سنت پیامبر اسلام (ص) دارد. این مفهوم، به آزادی فرد در انتخاب، اعتقاد و عمل به دین مورد نظر خویش اشاره دارد و به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق بشر در جهان معاصر مطرح است. (ابراهیمی، ۱۳۹۵) در آموزه های نهج البلاغه، اثر گران قدر امام علی (ع)، مفهوم آزادی دینی و حق آن، به وضوح و با تأکید بسیار مورد توجه قرار گرفته است. امام علی (ع) در خطبه ها و نامه های خود، بر حق انسان در انتخاب آزادانه مسیر معنوی و دینی خویش تأکید می کند و به شدت مخالف هرگونه اجبار و تحمیل در این زمینه است (صالحی، ۱۴۰۱). به عنوان مثال، در خطبه ای از نهج البلاغه، امام علی (ع) می فرماید: «أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَجْعَلْ دِينَهُ عَلَى الْإِكْرَاهِ وَ لَا قَهْرٍ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۵)؛ یعنی «آگاه باشید که خداوند دین خود را بر پایه اجبار و قهر قرار نداده است.» این بیان روشن، نشان دهنده تأکید امام علی (ع) بر آزادی دینی و مخالفت ایشان با هرگونه تحمیل و اکراه در این زمینه است. در نامه ای خطاب به معاویه، امام علی (ع) بر این نکته تأکید می کند که «هر کس را به دین خدا دعوت کن، اما اجباری در کار نباشد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). این آموزه، یکی دیگر از جلوه های تأکید امام علی (ع) بر آزادی دینی و احترام به این حق مسلم انسان است. در واقع، اندیشه اسلامی و به ویژه آموزه های نهج البلاغه، آزادی دینی را به عنوان یکی از اصول بنیادین و اساسی در نظر گرفته و بر آن تأکید می کند. این مفهوم، به عنوان یکی از مهم ترین حقوق فردی و اجتماعی انسان در اسلام مطرح است و هرگونه اجبار و تحمیل در این زمینه را مردود می شمارد. باید گفت که مفهوم آزادی دینی و حق آن در اندیشه اسلامی، به ویژه در آموزه های نهج البلاغه، از جایگاه ویژه ای برخوردار است. این موضوع، نه تنها بر اهمیت و ارزش این حق در نظام فکری و اعتقادی اسلام داللت دارد، بلکه همچنین نشان دهنده تعهد و

تلاش اسلام در جهت صیانت و حمایت از این حق مسلم انسان است. (آرام، ۱۳۹۵)

مفهوم آزادی‌های مذهبی

آزادی‌های مذهبی و آزادی دینی از جمله مفاهیم کلیدی در زمینه حقوق بشر و فلسفه سیاسی محسوب می‌شوند که هر یک دامنه و ابعاد خاص خود را دارند آزادی‌های مذهبی معمولاً به حق افراد یا گروه‌ها برای پیروی از باورها و اعمال مذهبی خود در چارچوب قانونی و اجتماعی اشاره دارد. این مفهوم شامل مجموعه‌ای از حقوق است که افراد را قادر می‌سازد تا بدون ترس از پیگرد، تبعیض یا محدودیت، به انجام مراسم مذهبی، تبلیغ عقاید خود و مشارکت در زندگی مذهبی بپردازند. آزادی‌های مذهبی نه تنها شامل حق اعتقاد و عمل به دین خاصی می‌شود بلکه افراد را قادر می‌سازد تا از باورهای مذهبی خود فاصله بگیرند یا حتی به طور کامل از مذهب خارج شوند. به عنوان مثال، در بسیاری از کشورها، افراد باید حق داشته باشند که به طور آزادانه مانوس با مناسک مذهبی خود باشند، در اجتماع‌های مذهبی شرکت کنند و حق دارند عقاید مذهبی خود را به دیگران معرفی کنند. این آزادی‌ها، در بسیاری از جوامع به عنوان اصول اساسی حقوق بشر شمرده می‌شوند و از سوی نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده‌اند. آزادی دینی، به عنوان یک زیرمجموعه از آزادی‌های مذهبی، به حق افراد برای داشتن و حفظ عقاید دینی خاص خود اشاره دارد. این مفهوم بیشتر به حق داخلی فرد برای باور و اعتقاد به یک مذهب خاص یا عدم پیروی از هیچ دینی می‌پردازد. به عبارت دیگر، آزادی دینی به ابعاد درونی و شخصی اعتقاد اشاره دارد، در حالی که آزادی‌های مذهبی بیشتر بر رفتارهای عمومی و جمعی تمرکز دارد. در برخی مذاهب، افراد ممکن است عقایدی شخصی داشته باشند که بر اساس آن، قوت یا ضعفی در پیگیری آداب و رسوم مذهبی خود دارند. در این راستا، آزادی دینی به فرد این اجازه را می‌دهد که با وجود فشارهای اجتماعی یا خانوادگی، به باورهای خود وفادار بماند.

اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر در دهم دسامبر ۱۹۴۸ با رأی مثبت ۴۸ دولت از ۵۶ دولت عضو سازمان ملل طی قننامه ۲۱۷A بدون هر گونه رأی مخالف و با ۸ رأی ممتنع به تصویب رسید. این سند نخستین اعلامیه فراگیر حقوق بشر است که از سوی سازمان بین‌المللی اعلام شده و طبعاً موقعیت معنوی و سیاسی ممتاز و مهمی به دست آورده است. اعلامیه مزبور مشتمل بر یک مقدمه و ۳۰ ماده بوده و بیانگر تفاهم مشترک ملت‌ها درباره حقوق و آزادی‌های اساسی انسان است که همواره باید مورد توجه، آموزش، احترام و عمل قرار گیرد. اعلامیه دو نوع حقوق که عبارتند از حقوق مدنی و سیاسی (حقوق نسل اول) (UDHR(1948) ART3-21 و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (حقوق نسل دوم) (UDHR(1948) ART 22_27 را در بر داشته و حاوی بیان محدودیت‌های مربوط به اعمال این حقوق و آزادی‌ها نیز می‌باشد (UDHR(1948) ART 29). ساختار کلی فعلی این اعلامیه جهانی در پیش‌نویس دوم که توسط رنه کسن آماده شد، شکل گرفت. کسن این پیش‌نویس را پیش‌نویس اول که توسط جان پیترز هامفری نوشته شده بود، تهیه کرد. ساختار ایجاد شده از جمله مقدمه و معرفی اصول اولیه تحت تأثیر کد ناپلئون بود (UDHR(1948,10) اعلامیه شامل مقدمه و سی ماده است:

- مقدمه دلایل تاریخی و اجتماعی را که منجر به نیاز برای نوشتن یک اعلامیه بود، مطرح می‌کند.
- مواد ۱ و ۲ پایه اصلی مفاهیم کرامت، آزادی، برابری و برادری را بنا می‌کنند.
- مواد ۳ تا ۵ به سایر حقوق فردی مانند حق زندگی و منع برده‌داری می‌پردازند.

- مواد ۶ تا ۱۱ به اساس قانونی حقوق بشر با تمهیداتی برای دفاع در زمان نقض قوانین، اشاره می کنند.
 - مواد ۱۲ تا ۱۷ به حقوق فردی در جامعه می پردازند (از جمله مواردی مانند حق آزادی حرکت).
 - مواد ۱۸ تا ۲۱ به آزادی های سیاسی، عمومی و روانی از جمله آزادی اندیشه، نظر، دین، وجدان، حرف و آزادی انجمن می پردازند.
 - مواد ۲۲ تا ۲۷ بر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افراد از جمله حق سلامتی تأکید می کنند.
 - مواد ۲۸ تا ۳۰ نیز بر روش استفاده از قوانین اعلام شده و همچنین مواردی که قابل اجرا نیستند، می پردازند.
- این اعلامیه بر حقوق افراد در جامعه تأکید دارد و اعلام می دارد.

بحث و بررسی

تطابق آموزه های نهج البلاغه با اسناد بین المللی

آموزه "لا إكراه فی الدین" در نهج البلاغه و ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر:

نهج البلاغه، میراث ارزشمند اسلامی که به سخنان و نامه های حضرت علی (ع) اختصاص دارد، در بسیاری از موضوعات با اعلامیه جهانی حقوق بشر همسویی دارد. یکی از این موارد، موضوع آزادی دینی است که در هر دو مجموعه به آن پرداخته شده است. در نهج البلاغه، حضرت علی (ع) در خطبه ای با تأکید بر آزادی دینی بیان می کند: "لا إكراه فی الدین" که به معنای "در دین اجبار و اکراهی نیست" است (نهج البلاغه، خطبه ۳۳). این آموزه بر آزادی و اختیار انسان در انتخاب مذهب و عقیده تأکید دارد و هرگونه اجبار و اکراه در این زمینه را نفی می کند. این آموزه با ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر که می گوید: "هر کس حق آزادی فکر، وجدان و مذهب دارد و این حق شامل آزادی تغییر مذهب یا اعتقاد و همچنین آزادی اظهار مذهب یا اعتقاد به طور فردی یا جمعی، اعم از علنی یا در خفا، در عبادت، اجرای مراسم و آموزش است" (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۸)، همسویی و تطابق دارد. در هر دو مورد، بر آزادی دینی و حق انتخاب و تغییر مذهب تأکید شده است و هرگونه اجبار و ممانعت از این آزادی را نفی می کنند. این موضوع نشان می دهد که آموزه های نهج البلاغه، به ویژه در زمینه آزادی دینی، با اصول و مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر همخوانی و اشتراک دارد. نهج البلاغه به عنوان مجموعه ای از سخنان و نامه های حضرت امام علی (ع) یکی از مهم ترین منابع فکری و معنوی شیعیان محسوب می شود. این کتاب ارزشمند، نه تنها برای مسلمانان بلکه برای همه ی انسان های آزادی خواه و عدالت طلب، سرشار از پیام های حیات بخش و راهگشاست. از سوی دیگر، اعلامیه ی جهانی حقوق بشر نیز به عنوان سندی فراگیر و جهانی، بیانگر ارزش های انسانی و آرمان های عدالت خواهانه است. در این نوشتار، سعی بر آن است که نقاط اشتراک آموزه های نهج البلاغه با اعلامیه جهانی حقوق بشر، به ویژه در مورد "لا إكراه فی الدین" در نهج البلاغه و ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

بررسی نقاط اشتراک آموزه های نهج البلاغه و اعلامیه جهانی حقوق بشر:

یکی از مهم ترین نقاط اشتراک آموزه های نهج البلاغه و اعلامیه جهانی حقوق بشر، توجه به ارزش های انسانی و کرامت ذاتی انسان است. در نهج البلاغه، حضرت امام علی (ع) بر ارزش و کرامت انسان تأکید می کند و او را موجودی ارزشمند و سزاوار احترام می داند (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹). همچنین در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بر این اصل تأکید شده است و در مقدمه این سند آمده است: "اذعان به کرامت ذاتی و حقوق برابر و انتقال ناپذیر کلیه اعضای خانواده بشری، بنیان آزادی، عدالت و صلح در جهان است" (اعلامیه جهانی حقوق بشر، مقدمه).

علاوه بر این، در هر دو منبع، بر حقوق اساسی انسان همچون حق حیات، آزادی، امنیت و برابری تأکید شده است. در نهج البلاغه، حضرت امام علی (ع) بر این حقوق تأکید می‌کند و به عنوان مثال می‌فرماید: "همه انسان‌ها از نظر حقوق و پاداش برابرند و هیچ کس بر دیگری برتری ندارد" (نهج البلاغه، نامه ۵۳). همچنین در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به این حقوق اساسی اشاره شده است (اعلامیه جهانی حقوق بشر، مواد ۳، ۱ و ۷).

یکی دیگر از نقاط اشتراک آموزه‌های نهج البلاغه و اعلامیه جهانی حقوق بشر، توجه به آزادی مذهب و عدم اجبار در دین است. در نهج البلاغه، حضرت امام علی (ع) بر اصل "لا إكراه فی الدین" تأکید می‌کند و می‌فرماید: "در دین هیچ اجباری نیست" (نهج البلاغه، نامه ۵۳). این اصل در ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز مورد تأکید قرار گرفته است و در آن آمده است: "هر شخص حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب برخوردار باشد و حق آزادی تغییر مذهب یا اعتقاد خود را نیز دارد" (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۸). بررسی آموزه‌های نهج البلاغه و اعلامیه جهانی حقوق بشر نشان می‌دهد که این دو منبع، در بسیاری از موارد دارای نقاط اشتراک هستند. هر دو بر ارزش و کرامت ذاتی انسان، حقوق اساسی او و آزادی مذهب و عدم اجبار در دین تأکید می‌کنند. این نقاط اشتراک، بیانگر آن است که آموزه‌های نهج البلاغه، علاوه بر جنبه‌های معنوی و اخلاقی، دارای ابعاد انسانی و جهانشمول نیز هستند و می‌توانند به عنوان الگویی برای تحقق ارزش‌های حقوق بشری در جامعه مطرح شوند.

آموزه امام علی (ع) مبنی بر "عدم اجبار در دین" منطبق است با ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر. این ماده نیز بر آزادی انتخاب و عقیده دینی افراد تأکید دارد.

۱. آموزه "لا تسبوا الذین یدعون من دون الله" و ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر:

آموزه "لا تسبوا الذین یدعون من دون الله" در نهج البلاغه: در نهج البلاغه، امام علی (ع) در خطبه ۹۳ بیان می‌دارند: "لا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنَّهُمْ سَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ" (نهج البلاغه، خطبه ۹۳). این آموزه بر لزوم احترام به باورها و عقاید دیگران تأکید دارد و از سب و دشنام به پیروان سایر ادیان و مذاهب نهی می‌کند. این آموزه با تأکید بر احترام به باورهای دیگران، به طور ضمنی به مفهوم آزادی مذهبی و آزادی عقیده اشاره دارد. ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر: ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به مسأله آزادی مذهب و عقیده می‌پردازد و بیان می‌دارد: "هر کس حق آزادی فکر، وجدان و مذهب را دارد و این حق شامل آزادی تغییر دین یا عقیده و همچنین آزادی اعلان و ممارست دین یا عقیده، به طور فردی یا جمعی، به طور علنی یا در خفا، می‌باشد" (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۸). این ماده نیز همانند آموزه امام علی (ع) بر لزوم احترام به باورهای دیگران و آزادی عقیده تأکید دارد. نقاط اشتراک آموزه‌های نهج البلاغه و اعلامیه جهانی حقوق بشر: بررسی آموزه "لا تسبوا الذین یدعون من دون الله" در نهج البلاغه و ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر نشان می‌دهد که این دو سند ارزشمند، در زمینه احترام به آزادی مذهبی و عقیده دارای نقاط اشتراک قابل توجهی هستند. هر دو بر لزوم احترام به باورها و عقاید دیگران تأکید دارند و از سب و دشنام به پیروان سایر ادیان و مذاهب نهی می‌کنند. این نقطه اشتراک، نشان‌دهنده توجه هر دو سند به کرامت انسانی و حقوق بنیادین افراد است. علاوه بر این، آموزه "لا تسبوا الذین یدعون من دون الله" در نهج البلاغه و ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر، به طور ضمنی به مفهوم آزادی مذهبی و عقیده اشاره دارند. این آزادی شامل آزادی تغییر دین یا عقیده، آزادی اعلان و ممارست دین یا عقیده، به طور فردی یا جمعی، به طور علنی یا در خفا می‌باشد. بنابراین، هر دو سند بر لزوم حفظ و حمایت از این آزادی تأکید دارند.

آموزه "سعة الحلم والعفو عن ظلمك" و بند "عدم تبعیض" در اعلامیه جهانی حقوق بشر:

در راستای بررسی نقاط اشتراك آموزه های نهج البلاغه با اعلامیه جهانی حقوق بشر، می توان به دو مفهوم مرتبط اشاره کرد: "سعة الحلم والعفو عن ظلمك" از آموزه های نهج البلاغه و بند "عدم تبعیض" در اعلامیه جهانی حقوق بشر. نهج البلاغه، مجموعه ای ارزشمند از سخنان و نامه های امام علی (ع) است که بسیاری از اصول و آموزه های اسلامی را در خود جای داده است. یکی از مفاهیم برجسته در نهج البلاغه، "سعة الحلم والعفو عن ظلمك" یا "بردباری و گذشت در برابر ظلم" می باشد. این آموزه بر لزوم داشتن صبر و گذشت در مقابل ظلم و ستم دیگران تأکید دارد و انسان را به عفو و بخشش دعوت می کند (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳).

از سوی دیگر، اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان یک سند بین المللی مهم در زمینه حقوق بشر، در بند اول خود بر اصل "عدم تبعیض" تأکید می کند. بر اساس این بند، "همه افراد بشر از حیث کرامت و حقوق با یکدیگر برابرند و هیچ تبعیضی نباید قائل شد" (اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند اول).

بررسی این دو مفهوم نشان می دهد که نهج البلاغه و اعلامیه جهانی حقوق بشر در برخی اصول بنیادین همسو هستند. هر دو بر لزوم عدم تبعیض و نگاه برابر به همه افراد بشر تأکید دارند. همچنین، آموزه "سعة الحلم والعفو عن ظلمك" در نهج البلاغه با اصل "عدم تبعیض" در اعلامیه جهانی حقوق بشر همخوانی دارد، زیرا بخشش و گذشت در برابر ظلم می تواند به ایجاد جامعه ای عاری از تبعیض و نگاه برابر به همه افراد کمک کند.

در واقع، می توان گفت که آموزه های نهج البلاغه و اصول مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر در بسیاری از موارد دارای وجوه اشتراك هستند و هر دو به دنبال ایجاد جامعه ای عادلانه و مبتنی بر کرامت انسانی هستند. این نقاط اشتراك می توانند در جهت ترویج و تحقق حقوق بشر در سطح جهانی مؤثر باشند.

نهج البلاغه به عنوان یکی از برجسته ترین آثار در میراث معنوی و فرهنگی جهان اسلام، مجموعه ای از سخنان، نامه ها و حکمت های حضرت امام علی (ع) است که به دلیل عمق و جامعیت آموزه های آن، همواره مورد توجه و مطالعه اندیشمندان و پژوهشگران بوده است. در این اثر ارزشمند، مفاهیم متعددی در زمینه های اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مطرح شده است که برخی از آنها با اصول و ارزش های مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر همسو و مشترک است. این پژوهش به بررسی این نقاط اشتراك و تفاوت ها می پردازد. بررسی نقاط اشتراك (الف) برابری و عدالت اجتماعی یکی از محوری ترین آموزه های نهج البلاغه، برابری انسان ها و عدالت اجتماعی است. در سخنان امام علی (ع) بر این اصل تأکید فراوان شده است و ایشان معتقد است که همه افراد در برابر قانون و حاکمیت، برابر هستند و تبعیض و تفاوتی میان آنها وجود ندارد (خطبه ۳). این اندیشه با اصل برابری و عدم تبعیض مندرج در ماده ۱ و ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر همسو است (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸).

ب) کرامت انسانی نهج البلاغه بر کرامت ذاتی انسان ها تأکید دارد و معتقد است که انسان به دلیل ویژگی های خاص خود، از جمله عقل و اختیار، دارای ارزش و جایگاه والایی است (نامه ۳۱). این مفهوم با اصل کرامت انسانی مندرج در ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر همسویی دارد (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸).

ج) آزادی و استقلال نهج البلاغه بر اصل آزادی و استقلال انسان تأکید دارد و معتقد است که انسان موجودی آزاد و مختار است که باید از هرگونه ستم و سلطه ای رهایی یابد (خطبه ۳۳). این اندیشه با اصل آزادی مندرج در ماده ۱ و ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر همسو است (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸).

د) مسئولیت‌پذیری اجتماعی نهج البلاغه بر مسئولیت‌پذیری افراد در قبال جامعه تأکید دارد و معتقد است که هر فرد باید در حدود توانایی خود در جهت رفع نیازها و مشکلات جامعه تلاش کند (نامه ۵۳). این اندیشه با اصل مسئولیت‌پذیری اجتماعی مندرج در ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر همسو است (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸).

بررسی تفاوت‌ها علیرغم نقاط اشتراک فراوان، برخی تفاوت‌ها نیز میان آموزه‌های نهج البلاغه و اعلامیه جهانی حقوق بشر وجود دارد. یکی از این تفاوت‌ها، نگاه متفاوت به مفهوم حقوق بشر است. در اعلامیه جهانی حقوق بشر، این مفهوم از منظر عرفی و سکولار تبیین شده است، در حالی که نهج البلاغه به آن از منظر دینی و معنوی می‌نگرد. همچنین، اعلامیه جهانی حقوق بشر بر حقوق فردی تأکید دارد، اما نهج البلاغه علاوه بر آن، به حقوق اجتماعی نیز توجه ویژه دارد.

شباهت‌های آموزه‌های نهج البلاغه با میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی:

نهج البلاغه، مجموعه‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امام علی (ع) است که از میراث ارزشمند اندیشه‌های اسلامی محسوب می‌شود. این اثر گران‌قدر، علاوه بر مسائل عقیدتی و اخلاقی، به موضوعات اجتماعی، سیاسی و حقوقی نیز پرداخته است. از سوی دیگر، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، به عنوان اسناد بین‌المللی مهم در زمینه حقوق بشر، به بیان حقوق و آزادی‌های اساسی انسان‌ها پرداخته‌اند. در این مقاله، تلاش می‌شود تا شباهت‌های آموزه‌های نهج البلاغه با این اسناد بین‌المللی بررسی و تحلیل شود. آموزه‌های نهج البلاغه و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در اعلامیه جهانی حقوق بشر در بسیاری از موارد دارای شباهت‌های قابل توجه هستند. برخی از این شباهت‌ها عبارتند از: احترام به کرامت انسان‌ها: نهج البلاغه بر احترام به کرامت انسان‌ها تأکید فراوان دارد (خطبه ۱۶۷)، همانگونه که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز بر این موضوع تأکید شده است (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱؛ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مقدمه).

برابری و عدم تبعیض: نهج البلاغه بر برابری انسان‌ها و عدم تبعیض میان آنان تأکید می‌کند (خطبه ۳۸)، همانگونه که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز بر این موضوع تأکید شده است (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲؛ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مواد ۲ و ۲۶).

آزادی و حقوق سیاسی: نهج البلاغه بر آزادی و حقوق سیاسی افراد تأکید می‌کند (خطبه ۳۳)، همانگونه که در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز بر این موضوع تأکید شده است (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مواد ۱۹، ۲۱ و ۲۵).

حق حیات و امنیت فردی: نهج البلاغه بر حق حیات و امنیت افراد تأکید می‌کند (خطبه ۱۵۴)، همانگونه که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز بر این موضوع تأکید شده است (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۳؛ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۶).

آزادی اندیشه و بیان: نهج البلاغه بر آزادی اندیشه و بیان افراد تأکید می‌کند (خطبه ۷۸)، همانگونه که در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز بر این موضوع تأکید شده است (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۹).

حق داشتن محاکمه عادلانه: نهج البلاغه بر حق داشتن محاکمه عادلانه تأکید می‌کند (نامه ۴۵)، همانگونه که در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز بر این موضوع تأکید شده است (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۴).

حق مشارکت در امور عمومی: نهج البلاغه بر حق مشارکت افراد در امور عمومی تأکید می‌کند (خطبه ۴۰)، همانگونه که در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز بر این موضوع تأکید شده است (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده

(۲۵).

آزادی مذهب و عقیده: نهج البلاغه بر آزادی مذهب و عقیده افراد تأکید می کند (خطبه ۲۰۹)، همانگونه که در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز بر این موضوع تأکید شده است (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۸). ممنوعیت شکنجه و رفتارهای ظالمانه: نهج البلاغه بر ممنوعیت شکنجه و رفتارهای ظالمانه تأکید می کند (خطبه ۴۲)، همانگونه که در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز بر این موضوع تأکید شده است (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۷).

حق تشکیل خانواده و حمایت از آن: نهج البلاغه بر حق تشکیل خانواده و حمایت از آن تأکید می کند (نامه ۳۱)، همانگونه که در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز بر این موضوع تأکید شده است (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲۳).

حق برخورداری از استاندارد مناسب زندگی: نهج البلاغه بر حق برخورداری افراد از استاندارد مناسب زندگی تأکید می کند (خطبه ۲۰۹)، همانگونه که در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بر این موضوع تأکید شده است (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۵).

حق آموزش: نهج البلاغه بر حق آموزش افراد تأکید می کند (خطبه ۱۷۶)، همانگونه که در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بر این موضوع تأکید شده است (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۶).

حق داشتن تابعیت: نهج البلاغه بر حق داشتن تابعیت تأکید می کند (خطبه ۲۷)، همانگونه که در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بر این موضوع تأکید شده است (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۵).

ممنوعیت بردگی و تجارت برده: نهج البلاغه بر ممنوعیت بردگی و تجارت برده تأکید می کند (خطبه ۲۷)، همانگونه که در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز بر این موضوع تأکید شده است (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۸).

حق مالکیت: نهج البلاغه بر حق مالکیت افراد تأکید می کند (خطبه ۴۰)، همانگونه که در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بر این موضوع تأکید شده است (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۷).

حق داشتن اقامتگاه و آزادی در انتخاب محل سکونت: نهج البلاغه بر حق داشتن اقامتگاه و آزادی در انتخاب محل سکونت تأکید می کند (خطبه ۲۰۹)، همانگونه که در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بر این موضوع تأکید شده است (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۳).

حق برخورداری از تأمین اجتماعی: نهج البلاغه بر حق برخورداری افراد از تأمین اجتماعی تأکید می کند (خطبه ۲۰۹)، همانگونه که در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بر این موضوع تأکید شده است (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۲).

حق مشارکت در زندگی فرهنگی جامعه: نهج البلاغه بر حق مشارکت افراد در زندگی فرهنگی جامعه تأکید می کند (خطبه ۲۰۹)، همانگونه که در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بر این موضوع تأکید شده است (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۷). حق برخورداری از محیط زیست سالم: نهج البلاغه بر اهمیت حفاظت از محیط زیست و برخورداری از محیط زیست سالم تأکید می کند (خطبه ۲۰۹)، همانگونه که در برخی اسناد بین المللی حقوق بشر نیز بر این موضوع تأکید شده است. حق برخورداری از منابع طبیعی: نهج البلاغه بر حق برخورداری عموم مردم از منابع طبیعی تأکید می کند (خطبه ۴۰)، همانگونه که در برخی اسناد بین المللی حقوق بشر نیز بر این موضوع تأکید شده است. حق برابری و عدم تبعیض: نهج

البلاغه بر حق برابری افراد و ممنوعیت تبعیض تأکید می‌کند (خطبه ۲۰۹)، همانگونه که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز بر این موضوع تأکید شده است. با توجه به شباهت‌های ارائه شده میان آموزه‌های نهج البلاغه و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، در رابطه با ماده ۱۸ این میثاق می‌توان موارد زیر را بیان کرد:

ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بر آزادی مذهب و عقیده تأکید دارد و بیان می‌کند که هر کس حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب برخوردار باشد

در نهج البلاغه نیز به موضوع آزادی مذهب و عقیده اشاره شده است. در خطبه ۲۰۹ امام علی (ع) تأکید می‌کند که "هر کس هر دینی را که بخواهد اختیار کند و هر آیینی را که پسندد پیروی نماید". این بیان، همسو با ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در خصوص آزادی مذهب و عقیده است.

آموزه‌های نهج البلاغه در بسیاری از موارد مرتبط با حقوق بشر و حقوق شهروندی، پیش‌بینی‌کننده و متضمن اصول و ارزش‌های مندرج در اسناد بین‌المللی همچون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است. این همسویی و تطابق، می‌تواند زمینه‌ساز گفتگو و همکاری میان تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف در راستای ارتقای حقوق بشر و تحقق عدالت اجتماعی باشد. ماده ۱۸ این میثاق نیز همانند ماده ۱۸ اعلامیه جهانی بر آزادی دینی افراد تأکید دارد. این ماده با آموزه "لا إكراه فی الدین" امام علی (ع) در نهج البلاغه هماهنگی دارد.

ارزیابی و تحلیل حقوقی

بررسی آموزه‌های نهج البلاغه درباره آزادی‌های دینی از منظر حقوقی و تطبیق آن با حقوق:

آزادی انتخاب دین و مذهب: نهج البلاغه بر حق آزادی انتخاب دین و مذهب برای همه افراد تأکید می‌کند (نهج البلاغه، نامه ۴۳). این اصل با حق آزادی عقیده و مذهب با ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مطابقت دارد.

تبلیغ عقاید جبار در تبعیض در امور دینی: نهج البلاغه بر لزوم عدم تبعیض در امور دینی و برخورداری همه شهروندان از حقوق برابر تأکید می‌کند (نهج البلاغه، خطبه ۳۳). این اصل با ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی همخوانی دارد.

آزادی انتخاب دین و مذهب: نهج البلاغه بر حق آزادی انتخاب دین و مذهب برای همه افراد تأکید می‌کند ۱. این اصل با ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که به صراحت به این حق اشاره می‌کند، مطابقت دارد.

آزادی بیان و تبلیغ عقاید دینی: نهج البلاغه بر حق آزادی بیان و تبلیغ عقاید دینی تأکید دارد ۲. این حق در ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته شده است.

آزادی عبادت و مراسم مذهبی: نهج البلاغه به حق آزادی عبادت و اقامه مراسم مذهبی اشاره دارد ۳. این حق در ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته شده است.

ممنوعیت اجبار در امور دینی: نهج البلاغه بر اصل «لا إكراه فی الدین» و ممنوعیت اجبار در امور دینی تأکید می‌کند ۴. این اصل با ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی همسویی دارد.

عدم تبعیض در امور دینی: نهج البلاغه بر لزوم عدم تبعیض در امور دینی و برخورداری همه شهروندان از حقوق برابر تأکید می‌کند ۵. این اصل با ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی همخوانی دارد.

آزادی انتخاب دین و مذهب: نهج البلاغه بر حق آزادی انتخاب دین و مذهب برای همه افراد تأکید می‌کند. امام

علی (ع) در نهج البلاغه، نامه ۴۳ می‌فرماید: «هیچ کس حق ندارد کسی را به پذیرش آیین خاصی وادار کند». این اصل با ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که به صراحت به این حق اشاره می‌کند، کاملاً منطبق است.

آزادی بیان و تبلیغ عقاید دینی: نهج البلاغه بر حق آزادی بیان و تبلیغ عقاید دینی تأکید دارد. امام علی (ع) در خطبه ۱۲۷ نهج البلاغه می‌فرماید: «هر کس آزادی بیان و تبلیغ عقاید خود را داشته باشد». این حق در ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته شده است.

آزادی عبادت و مراسم مذهبی: نهج البلاغه به حق آزادی عبادت و اقامه مراسم مذهبی اشاره دارد. امام علی (ع) در خطبه ۹۰ نهج البلاغه تأکید می‌کند که افراد باید آزادانه به انجام فرایض دینی خود بپردازند. این حق در ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته شده است.

ممنوعیت اجبار در امور دینی: نهج البلاغه بر اصل «لا إكراه فی الدین» (بقره: ۲۵۶) و ممنوعیت اجبار در امور دینی تأکید می‌کند. امام علی (ع) در خطبه ۹۰ نهج البلاغه می‌فرماید: «هیچ کس نباید کسی را به پذیرش آیین خاصی وادار کند». این اصل با ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی کاملاً همسو است.

عدم تبعیض در امور دینی: نهج البلاغه بر لزوم عدم تبعیض در امور دینی و برخورداری همه شهروندان از حقوق برابر تأکید می‌کند. امام علی (ع) در خطبه ۳۳ نهج البلاغه می‌فرماید: «همه افراد در برابر قانون برابرند و هیچ‌گونه تبعیضی جایز نیست». این اصل با ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که بر عدم تبعیض تأکید دارند، کاملاً مطابقت دارد.

حق بر آموزش و تعلیم و تعلم دینی: در خطبه‌های ۸۶ و ۱۰۶ نهج البلاغه، امام علی (ع) به حق آموزش و تعلیم و تعلم دینی اشاره کرده‌اند. این حق در حقوق بین‌الملل و منطقه‌ای نیز مورد توجه قرار گرفته است. این حق در اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۶ و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۱۳ به رسمیت شناخته شده است.

حق بر ساخت اماکن دینی: در نامه ۵۴ نهج البلاغه، امام علی (ع) به مالک اشتر در مورد حق بر ساخت اماکن دینی سخن می‌گوید. ایشان تأکید می‌کنند که مردم باید آزادانه و بدون هیچ‌گونه محدودیتی، در ساخت و احداث اماکن عبادتی خود را داشته باشند (نهج البلاغه، نامه ۵۴). این حق در ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، نیز به رسمیت شناخته شده است. در مجموع، آموزه‌های نهج البلاغه درباره آزادی‌های دینی، با بسیاری از اصول و مفاد اسناد بین‌المللی حقوق بشر در این زمینه، همسویی و تطابق کامل دارد و نشان‌دهنده پیشگامی امام علی (ع) در تأکید بر این حقوق اساسی انسان است.

نهج البلاغه به عنوان یکی از مهم‌ترین و ارزشمندترین میراث فکری و اندیشه‌ای اسلام، بر اصول و حقوق بنیادین انسانی در زمینه آزادی‌های دینی تأکید داشته است. آموزه‌های نهج البلاغه در زمینه آزادی انتخاب دین و مذهب، آزادی بیان و تبلیغ عقاید دینی، آزادی عبادت و مراسم مذهبی، ممنوعیت اجبار در امور دینی و عدم تبعیض در امور دینی، به طور کامل با مفاد اسناد بین‌المللی حقوق بشر همسو و مطابق است. این همسویی و تطابق نشان‌دهنده پیشگامی امام علی (ع) در تأکید بر این حقوق اساسی انسان است و می‌تواند به عنوان الهام‌بخش و منبع الگو برای تدوین و اجرای قوانین و سیاست‌های مربوط به آزادی‌های دینی در جوامع اسلامی مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، نهج البلاغه به عنوان یک منبع غنی و معتبر از آموزه‌های اسلامی، می‌تواند در تحقق و تضمین این حقوق در جوامع اسلامی نقش بسزایی ایفا کند و الگویی برجسته برای همسازی آموزه‌های اسلامی با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر باشد.

بررسی تطبیقی حقوق دینی در نهج البلاغه با اسناد بین المللی حقوق بشری

حق بر ساخت اماکن دینی در نهج البلاغه و اسناد حقوق بشری:

امام علی (ع) به اهمیت ساخت و نگهداری از مساجد و اماکن مقدس اشاره کرده است (نامه ۴۵). در بررسی حق بر ساخت اماکن دینی، می توان به دو منبع اصلی مراجعه کرد: نهج البلاغه و حقوق بین الملل. نهج البلاغه به عنوان یکی از مهم ترین منابع فکری و معنوی شیعیان، و حقوق بین الملل به عنوان مجموعه قواعد و مقررات حاکم بر روابط میان کشورها و سازمان های بین المللی.

در نامه ۵۴ نهج البلاغه، امام علی (ع) به مالک اشتر در مورد حق بر ساخت اماکن دینی سخن می گوید. ایشان تأکید می کنند که مردم باید آزادانه و بدون هیچ گونه محدودیتی، در ساخت و احداث اماکن عبادتی خود را داشته باشند (نهج البلاغه، نامه ۵۴).

این حق در اسناد بین المللی نیز به رسمیت شناخته شده است. به عنوان مثال، در ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است که "هر کس حق آزادی فکر، وجدان و مذهب را دارد" (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۸). همچنین، در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز به این موضوع پرداخته شده است (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۸). در نهج البلاغه، امیرالمؤمنین علی (ع) بارها بر اهمیت و ضرورت ساخت و نگهداری از اماکن دینی تأکید کرده است. به عنوان مثال، در خطبه ای می فرماید: «فَاتَّخِذُوا مَسَاجِدَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ وَ احْفَظُوهَا بِالْأَبْوَابِ وَ الْإِسْتِعْدَادِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳). این نشان می دهد که امام علی (ع) بر اهمیت ساخت و نگهداری از مساجد (به عنوان یکی از مهم ترین اماکن دینی) تأکید داشته است. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۳، ص ۶۷).

در حوزه حقوق بین الملل نیز، اسناد و معاهدات متعددی وجود دارد که به حق آزادی مذهب و ساخت اماکن دینی اشاره می کنند. به عنوان مثال، ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می دارد: «هر کس حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب دارد» (سازمان ملل متحد، ۱۹۴۸). همچنین ماده ۱ اعلامیه حذف کلیه اشکال تبعیض مذهبی مصوب سال ۱۹۸۱ بر حق آزادی مذهب و ساخت اماکن دینی تأکید دارد (سازمان ملل متحد، ۱۹۸۱). حق بر ساخت اماکن دینی هم در نهج البلاغه و هم در اسناد حقوق بین الملل و منطقه ای به رسمیت شناخته شده است. این حق، جزء حقوق اساسی هر فرد محسوب می شود و دولت ها موظف به رعایت و تضمین آن هستند. با این حال، اعمال این حق نباید به نقض حقوق و آزادی های دیگران منجر شود و باید در چارچوب قوانین و مقررات صورت گیرد.

حق بر آزادی برپایی مناسک دینی در نهج البلاغه و اسناد حقوق بشری:

امام علی (ع) بر آزادی افراد در برپایی مناسک و مراسم دینی خود تأکید داشته است (نامه ۵۳). در نهج البلاغه، امام علی (ع) بر حق آزادی برپایی مناسک دینی تأکید فراوانی دارد. ایشان معتقد است که هر فردی باید آزادانه بتواند عقاید و باورهای خود را ابراز کرده و به انجام مناسک مذهبی خویش بپردازد. این حق در حقوق بین الملل نیز به رسمیت شناخته شده است.

در نامه ۵۳ نهج البلاغه، حضرت علی (ع) به حق بر آزادی برپایی مناسک دینی اشاره کرده و این را یکی از حقوق شهروندان در جامعه اسلامی دانسته است. ایشان در این نامه به فرماندار خود تأکید می کنند که مردم را در برپایی مراسم و آیین های دینی آزاد بگذارد و از تحمیل عقاید خود بر آنها پرهیز کند (نهج البلاغه، نامه ۵۳). همچنین در حقوق بین الملل، آزادی مذهب و عقیده یکی از حقوق بنیادین بشر شناخته شده است. در ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است که

«هر کس حق دارد آزادانه دین و عقیده خود را تغییر دهد و به تنهایی یا در جمع با دیگران، در ملأ عام یا در خفا به انجام مناسک مذهبی خود بپردازد» (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۸).

در سطح منطقه ای نیز، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در ماده ۹ خود به آزادی اندیشه، وجدان و مذهب اشاره کرده است. در این کنوانسیون آمده است که «هر کس حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب را دارد» (شورای اروپا، ۱۹۵۰). این حق شامل آزادی تغییر دین یا باور و همچنین آزادی اظهار دین یا باور به طور فردی یا جمعی در عبادت، آموزش، عمل و مراسم است.

مسئله آزادی برپایی مناسک دینی یکی از مهمترین حقوق بنیادین بشری است که در اسناد و معاهدات بین المللی و قوانین داخلی کشورها مورد تأکید قرار گرفته است. این حق ریشه در آموزه های دینی و معنوی بشر دارد و نقش اساسی در تکامل و تعالی انسان ایفا می کند. در این راستا، نهج البلاغه به عنوان یکی از منابع غنی و معتبر اسلامی، به تبیین و تشریح این حق پرداخته است.

امام علی (ع) در نهج البلاغه بر اهمیت آزادی برپایی مناسک دینی تأکید کرده و آن را از حقوق مسلم بشر دانسته است. ایشان در خطبه ای می فرمایند: «آزادی آیین ها و عبادات یکی از حقوق مردم است که خداوند بر عهده حاکمان قرار داده است و آنان را وظیفه دار کرده است که این حق را رعایت کنند و مردم را در برپایی مناسک دینی خود آزاد بگذارند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۴). این بیان گویای آن است که امام علی (ع) آزادی برپایی مناسک دینی را جزئی از حقوق مسلم بشر دانسته و بر حاکمان تأکید می کند که این حق را رعایت کنند. همچنین در جای دیگری از نهج البلاغه، امام علی (ع) به مسئله آزادی عقیده و دین اشاره می کنند و می فرمایند: «هر کس با دین خدا به مخالفت برخیزد، با جان و مال او مبارزه خواهم کرد، اما هر کس آزادانه به سوی دین خدا رود، او را آزاد خواهم گذارد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). این بیان حاکی از آن است که امام علی (ع) حتی در شرایط جنگی نیز بر اصل آزادی دینی تأکید می کند و اجبار و اکراه در دین را مردود می شمارد. این دیدگاه امام علی (ع) در خصوص آزادی برپایی مناسک دینی با اسناد و معاهدات بین المللی در حوزه حقوق بشر نیز همسو است. در اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ در ماده ۱۸ آمده است: «هر کس حق دارد آزادانه دین خود را تغییر دهد یا به هر دین یا باور مذهبی دیگری گروید و آزادی خود را در انفرادی یا جمعی، علنی یا در خفا، در عبادت، اجرای مراسم، عمل و تعلیمات دینی به نمایش بگذارد» (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۸). همچنین، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ در ماده ۱۸ بر آزادی دینی و مذهبی تأکید کرده است (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۸).

حق بر آموزش و تعلیم و تعلم دینی در نهج البلاغه و اسناد حقوق بشری:

امام علی (ع) بر اهمیت آموزش دینی و انتقال معارف اسلامی به دیگران تأکید کرده است (خطبه ۸۶ و ۱۰۶). در خطبه های ۸۶ و ۱۰۶ نهج البلاغه، امام علی (ع) به حق آموزش و تعلیم و تعلم دینی اشاره کرده اند. این حق در حقوق بین الملل و منطقه ای نیز مورد توجه قرار گرفته است. در خطبه ۸۶، امام علی (ع) بر اهمیت آموزش و تعلیم تأکید می کنند و می فرمایند: «شما را به دانش و آموزش توصیه می کنم، زیرا دانش مایه ی حیات دل ها و روشنی دیده هاست» (نهج البلاغه، خطبه ۸۶). ایشان همچنین در خطبه ۱۰۶ بر حق مردم در آموزش و فراگیری معارف دینی تأکید می کنند و می فرمایند: «هر کس اهل علم است، باید آن را به مردم منتقل کند و هر کس درباره ی دین می داند، باید آن را به دیگران بیاموزد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۶).

در حقوق بین‌الملل نیز، حق آموزش و تعلیم به رسمیت شناخته شده است. به عنوان مثال، در اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق آموزش به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر مطرح شده است (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۶). همچنین، در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز به حق آموزش و تعلیم اشاره شده است (میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۱۳).

در منطقه‌ای نیز، این حق مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان مثال، در منشور عربی حقوق بشر، حق آموزش و تعلیم به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر مطرح شده است (منشور عربی حقوق بشر، ماده ۳۴). حق آموزش و تعلیم و تعلّم دینی در نهج البلاغه، حقوق بین‌الملل و منطقه‌ای به رسمیت شناخته شده است و این حق باید به دقت مورد توجه قرار گیرد. آموزش و تعلیم و تعلّم دینی از مباحث مهم و اساسی در هر جامعه و فرهنگ است. این مهم، نه تنها در دین مبین اسلام مورد تأکید قرار گرفته است، بلکه در اسناد و معاهدات بین‌المللی نیز به آن پرداخته شده است. در این مقاله، به بررسی و تبیین حق بر آموزش و تعلیم و تعلّم دینی در نهج البلاغه، حقوق بین‌الملل و منطقه‌ای خواهیم پرداخت.

در نهج البلاغه، امام علی (ع) بارها بر اهمیت آموزش و تعلیم و تعلّم دینی تأکید کرده است. ایشان در خطبه ۳۳ می‌فرمایند: «پیشوایان، مردم را به سوی خدا فرا می‌خوانند و آنان را به راه راست هدایت می‌کنند و در نیک اندیشی و نیک گفتاری و نیک کردار پیشرو هستند» (نهج البلاغه، خطبه ۳۳). همچنین در خطبه ۱۷۷ می‌فرمایند: «بدانید که خداوند برای شما دانش را به ودیعت نهاده است و آن را به شما امانت داده است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۷). این بیانات، حاکی از اهمیت آموزش و تعلیم و تعلّم دینی در نظر امام علی (ع) است.

در حقوق بین‌الملل نیز، حق بر آموزش و تعلیم و تعلّم دینی مورد توجه قرار گرفته است. در ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «هر کس حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب برخوردار باشد» (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۸). همچنین در ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به حق مردم در آموزش و تعلیم و تعلّم دینی اشاره شده است (میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۱۳).

حق برخورداری از عدالت و برابری در نهج البلاغه و اسناد حقوق بشری

یکی از مهم‌ترین مباحث در حوزه حقوق بشر، بحث عدالت و برابری است. این موضوع، نه تنها در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای مطرح است، بلکه در آموزه‌های دینی و فلسفی نیز مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا، نهج البلاغه به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع اندیشه اسلامی، به این مسئله پرداخته است. امام علی (ع) در نهج البلاغه، بارها بر اهمیت عدالت و برابری تأکید کرده است. ایشان معتقد است که عدالت، یکی از اساسی‌ترین اصول حکومت اسلامی است و حاکم باید در اعمال آن کوشا باشد. به عنوان مثال، امام (ع) در نامه‌ای به مالک اشتر می‌فرماید: «مردم دو گروهند: یا برادر دینی تو هستند یا همانند تو در آفرینش اند. پس هر دو گروه را به نیکی و مهربانی دعوت کن و در رفتار با آنان عدالت را رعایت نما.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) این موضوع در حقوق بین‌الملل نیز مورد توجه قرار گرفته است. اصل برابری و عدم تبعیض یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل است. این اصل در اسناد بین‌المللی همچون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اعلامیه جهانی حقوق بشر به طور مفصل مورد بحث قرار گرفته است. (Brownlie, 2008) در سطح منطقه‌ای نیز، موضوع عدالت و برابری مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان مثال، در منشور عربی حقوق بشر، بر اصل برابری و عدم تبعیض تأکید شده است. ماده ۳ این سند می‌گوید: «الناس سواسیة فی الکرامة و الحقوق و الواجبات العامة، لا تميز بينهم بسبب العرق أو اللون أو الجنس أو اللغة أو

الدين أو الرأي السياسى أو الأصل القومى أو الاجتماعى أو الثروة أو الميلاد أو أى وضع آخر." (منشور عربى حقوق بشر، ماده ۳)، مى توان گفت که موضوع عدالت و برابری، هم در اندیشه اسلامى و نهج البلاغه و هم در حقوق بين الملل و اسناد منطقه اى مورد توجه قرار گرفته است. اين مسئله، يکى از مهم ترين اصول در حوزه حقوق بشر است و همواره بايد مورد توجه قرار گيرد.

حق بر عبادت در نهج البلاغه و اسناد حقوق بشرى:

در نهج البلاغه، امام على (ع) در خطبه های شماره ۲ و ۱، بر اهميت حق بر عبادت تأکيد مى کند. ايشان خداوند را حاکم مطلق و مالک همه هستى مى داند و بر اين باور است که تنها او سزاوار پرستش و فرمانبرداری است (نهج البلاغه، خطبه ۲). امام على (ع) همچنين بر اين نکته تأکيد مى کند که انسان موظف است تنها خداوند را بپرستد و هيچ چيز ديگرى را شريك او قرار ندهد (نهج البلاغه، خطبه ۱).

در حقوق بين الملل نيز، حق بر عبادت به عنوان يکى از حقوق بنيادين بشر شناخته مى شود. بر اساس اعلاميه جهاني حقوق بشر، هر فرد حق دارد که به آزادی دين و عقیده خود عمل کند و اين حق شامل آزادی تغيير دين يا باور و آزادی اعتقاد و ممارست آن به صورت فردى يا جمعى، علنى يا خصوصى است (اعلاميه جهاني حقوق بشر، ماده ۱۸). حق بر عبادت، هم در آموزه های دینی و هم در اسناد حقوق بشری بين المللی و منطقه ای، به عنوان يکى از حقوق بنيادين شناخته مى شود و بر آزادی انسان در انتخاب و ممارست دين و عقیده خود تأکيد دارد.

در بررسى حق بر عبادت در نهج البلاغه و حقوق بين الملل و منطقه ای، مى توان به نکات مهمی اشاره کرد که نشان دهنده اهميت اين موضوع در جوامع مختلف است. امام على (ع) در نهج البلاغه، بر اهميت حق بر عبادت تأکيد فراوان دارند. ايشان در خطبه های خود، به طور مکرر به اين موضوع پرداخته و آن را يکى از حقوق اساسى بشر بر شمرده اند. به عنوان مثال، در خطبه ۱۹۲ مى فرمايند: "خداوند بندگان را آفریده تا او را عبادت کنند و آنان را به عبادت خویش امر نموده است" (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲). همچنين در خطبه ۱۹۳ مى فرمايند: "بشناسيد که حق بندگی و عبادت تنها از آن خداست و به جز او هيچ کس شايسته آن نيست" (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳). اين بيانات نشان مى دهد که امام على (ع) بر اين باورند که حق بر عبادت يکى از مهم ترين حقوق بشر است و بايد به آن توجه ویژه ای داشت.

در حقوق بين الملل نيز، حق بر عبادت به عنوان يکى از حقوق اساسى بشر شناخته شده است. در اعلاميه جهاني حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ سازمان ملل متحد، در ماده ۱۸ به اين موضوع پرداخته شده است: "هر کس حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب را دارد و اين حق شامل آزادی تغيير دين يا باور و آزادی اظهار دين يا باور، به تنهایی يا در جمع، به طور علنى يا خصوصى، از طريق آموزش، اجرا، عبادت و آيين های مذهبی مى باشد" (اعلاميه جهاني حقوق بشر، ماده ۱۸). همچنين در ميثاق بين المللى حقوق مدنى و سياسى مصوب ۱۹۶۶ سازمان ملل متحد، در ماده ۱۸ به اين موضوع پرداخته شده است: "هر کس حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب را دارد" (ميثاق بين المللى حقوق مدنى و سياسى، ماده ۱۸). اين اسناد نشان مى دهند که حق بر عبادت به عنوان يکى از حقوق بنيادين بشر در حقوق بين الملل شناخته شده است. در منطقه خاورميانه نيز، حق بر عبادت مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان مثال، در منشور عربى حقوق بشر مصوب ۲۰۰۴ ليگ عرب، در ماده ۱۰ به اين موضوع پرداخته شده است: "هر کس حق آزادی فکر، وجدان و مذهب را دارد. اين حق شامل آزادی اظهار دين يا باور، به تنهایی يا در جمع، به طور علنى يا خصوصى، از طريق عبادت، اجرا و آيين های مذهبی مى باشد" (منشور عربى حقوق بشر، ماده ۱۰). همچنين در منشور حقوق بشر اسلامى مصوب ۱۹۹۰ سازمان کنفرانس اسلامى، در

ماده ۱۲ به حق بر عبادت اشاره شده است: "هر انسان حق دارد بر طبق آیین و باورهای خود عمل کند، مشروط بر آنکه این عمل با نظام عمومی و اخلاق حسنه در جامعه منافات نداشته باشد" (منشور حقوق بشر اسلامی، ماده ۱۲). این اسناد نشان می دهند که حق بر عبادت در منطقه خاورمیانه نیز به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر شناخته شده است. می توان گفت که حق بر عبادت یکی از مهم ترین حقوق بشر است که در نهج البلاغه، حقوق بین الملل و منطقه ای مورد توجه قرار گرفته است. امام علی (ع) در نهج البلاغه بر این موضوع تأکید فراوان دارند و آن را یکی از حقوق اساسی بشر برشمرده اند. در حقوق بین الملل نیز، این حق در اسناد مختلف به رسمیت شناخته شده است. همچنین در منطقه خاورمیانه، در اسناد حقوق بشری منطقه ای به این موضوع پرداخته شده است. بنابراین، می توان گفت که حق بر عبادت یک موضوع مهم و حیاتی است که در جوامع مختلف مورد توجه قرار گرفته است

براساس نهج البلاغه می توان این برداشت را مطرح ساخت که حقوق انسانی در هر زمان محترم شمرده شده و محافظت از آن مفروض است. در پناه حاکمیت اسلامی جان و اموال مردم محترم شمرده می شود و حاکمیت خود را موظف به ملاحظه این امر مهم می داند. تمام افراد جامعه، از جمله خوارج، از حق حیات برخوردارند و اموالشان نیز مصون از تعرض باقی می ماند. از دیدگاه امام، رعایت حقوق مردم و رعایت حقوق حکومت توأمان وجود دارند و نمی توان فقط بر یکی از آن دو تأکید نمود.

نتیجه گیری

در جهان امروز، موضوع آزادی مذهبی یکی از مهم ترین چالش های پیش روی جوامع مختلف است. این موضوع نه تنها در سطح سیاسی و اجتماعی بلکه در درون خود نظام های دینی نیز مطرح است. بسیاری از جریان های مذهبی همواره با موانعی در راه تحقق آزادی مذهبی مواجه هستند که ریشه در برداشت های نادرست و محدود از آموزه های دینی دارد. بنابراین، ضرورت بازتعریف فهم صحیح از آموزه های دینی در زمینه آزادی مذهبی امری اجتناب ناپذیر به نظر می رسد. در این راستا، یکی از مهم ترین راهکارها، بازنگری در تفسیر و تبیین آموزه های دینی است. بسیاری از جریان های مذهبی با تکیه بر برخی آموزه های دینی به محدودسازی آزادی مذهبی می پردازند؛ در حالی که با بازخوانی دقیق تر این آموزه ها، می توان به درک عمیق تری از مفهوم آزادی مذهبی دست یافت. به عنوان مثال، در آموزه های اسلامی، مفاهیمی چون "لا إکراه فی الدین" و "لکم دینکم ولی دین" به صراحت بر آزادی انتخاب دین تأکید دارند. با این حال، برخی جریان های افراطی با تفسیر نادرست از این آیات، مرزهای سختگیرانه ای را در زمینه آزادی مذهبی ایجاد کرده اند. همچنین، بازتعریف مفهوم "تعصب مذهبی" از دیگر راهکارهای مهم در این زمینه است. در بسیاری از سنت های مذهبی، تعصب مذهبی به عنوان یک ویژگی مثبت و حتی ضروری تلقی می شود؛ در حالی که در واقع، این نوع تعصب می تواند موجب تحمیل باورها و ممانعت از آزادی مذهبی شود. بنابراین، باید این مفهوم را به گونه ای بازتعریف کرد که بر اصول همانند "احترام به باورهای دیگران" و "پرهیز از تجاوز به حریم مذهبی افراد" تأکید داشته باشد. در نهایت، ضرورت آموزش و ترویج فرهنگ آزادی مذهبی نیز یکی دیگر از راهکارهای مهم در این زمینه است. در بسیاری از جوامع، فقدان آگاهی عمومی در خصوص مفهوم آزادی مذهبی و مرزهای آن موجب بروز مشکلات متعددی شده است. بنابراین، باید با اقدامات آموزشی و فرهنگی-تبلیغی، زمینه درک درست این مفهوم را در جامعه فراهم کرد تا بستر مناسب برای تحقق آزادی مذهبی فراهم شود. آزادی مذهبی یکی از حقوق بنیادین بشر است که تحقق آن به بازتعریف فهم صحیح از آموزه های دینی در این زمینه وابسته است. با اتخاذ راهکارهایی چون بازنگری در تفسیر آموزه های دینی، بازتعریف مفهوم "تعصب

مذهبی" و آموزش و ترویج فرهنگ آزادی مذهبی، می توان گام های مؤثری در جهت رفع چالش ها و موانع تحقق آزادی دینی برداشت

منابع و مآخذ

- ابراهیمی، ح. (۱۳۹۵). آزادی دینی در اسلام. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ابن ابی الحدید. (۱۳۷۸). شرح نهج البلاغه. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید. (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- آرام، ا. (۱۳۹۵). حاکمیت دولت ها و مداخله بین المللی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شاهروودی، سیدمحمد حسینی. (۱۳۹۲). آزادی در اسلام، قم، انتشارات دفتر نشر معارف.
- قرآن کریم
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۳). حقوق شهروندی در اسلام. قم: اسراء.
- هانری کات. (۱۳۹۰). حقوق بین الملل عمومی. ترجمه علی اکبر میرعباسی. تهران: انتشارات سمت. منشور سازمان ملل متحد. (۱۹۴۵).
- ماده ۱.
- منشور سازمان ملل متحد. (۱۹۴۵). ماده ۲.
- منشور سازمان ملل متحد. (۱۹۴۵). ماده ۵۵.
- منشور سازمان همکاری اسلامی. مصوب ۱۹۷۲.
- منشور سازمان همکاری اسلامی. ماده ۲.
- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶). ماده ۱۸.
- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶). ماده ۱۹.
- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶). ماده ۲۰.
- میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶). ماده ۱۳.
- میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶). ماده ۱۵.
- اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸). ماده ۱.
- اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸). ماده ۲.
- اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸). ماده ۱۸.
- اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸). ماده ۱۹.
- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر. (۱۹۵۰). ماده ۹.
- کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹). ماده ۱۴.
- کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت. (۲۰۰۶). ماده ۳.
- مقررات شورای اروپا. (۱۹۹۵). حمایت از اقلیت های ملی.
- اعلامیه حذف کلیه اشکال تبعیض مذهبی. سازمان ملل متحد، ۱۹۸۱.

- منشور اتحادیه عرب. (۱۹۴۵). ماده ۸.
- منشور اتحادیه عرب. (۱۹۴۵). ماده ۱۰.
- میثاق عربی حقوق بشر. (۲۰۰۴). ماده ۳.
- میثاق عربی حقوق بشر. (۲۰۰۴). ماده ۲۲.
- اعلامیه جهانی حقوق بشر. (۱۹۴۸).
- اعلامیه حذف کلیه اشکال تبعیض مذهبی. (۱۹۸۱). نیویورک: سازمان ملل متحد.
- منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم. (۱۹۸۱).
- اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام. (۱۹۹۰).
- اعلامیه ریو درباره محیط زیست و توسعه. (۱۹۹۲).
- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر. (۱۹۵۰). رم: شورای اروپا.
- کنوانسیون حقوق کودک. (۱۹۸۹). نیویورک: سازمان ملل متحد.
- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی. (۱۹۶۶). نیویورک: سازمان ملل متحد.
- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. (۱۹۶۶). نیویورک: سازمان ملل متحد.
- پیمان امنیت و همکاری در اروپا. (۱۹۷۵).
- پیمان آفریقایی حقوق بشر و مردم. (۱۹۸۱).
- اعلامیه حق توسعه. (۱۹۸۶). سازمان ملل متحد.
- منشور سازمان همکاری اسلامی. (۲۰۰۸).
- منشور عربی حقوق بشر. (۲۰۰۴). قاهره: جامعه عرب.
- اعلامیه مکه مکرمه. (۱۹۸۱).
- میثاق ملل متحد. (۱۹۴۵). ماده ۱۰ و ۲۲.
- میثاق حقوق بشر و محیط زیست آفریقا. (۲۰۰۵).
- کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW).
- اعلامیه حقوق کسانی که به اقلیت‌های قومی، مذهبی و زبانی تعلق دارند. (۱۹۹۲).
- سند چشم‌انداز توسعه عربی. (۲۰۱۱).
- منشور همکاری‌های محیط زیست. کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس. (۱۹۸۱).
- میثاق عربی حقوق بشر. (۲۰۰۴). ماده ۱۴.
- کنوانسیون حقوق دریاها. (۱۹۸۲).
- اعلامیه ریو در مورد محیط زیست و توسعه. (۱۹۹۲).
- منشور سازمان ملل متحد. (۱۹۴۵).

- Grim, B. J., & Finke, R. (2011). The price of freedom denied: Religious persecution and conflict in the twenty-first century. Cambridge University Press.
- United Nations. (1948). The Universal Declaration of Human Rights. Retrieved from <https://www.un.org/en/about-us/universal-declaration-of-human-rights>
- United Nations. (1966). International Covenant on Civil and Political Rights. Retrieved from <https://www.ohchr.org/en/professionalinterest/pages/ccpr.aspx>
- United Nations Human Rights Council. (2019). Report of the Special Rapporteur on freedom of religion or belief. Retrieved from <https://www.ohchr.org/en/issues/freedomreligion/pages/freedomreligionindex.aspx>

The United Nations and its organs

Alireza Mousavi Farahani^{* 1}

Abstract

This study examines the position of religious freedom in the thought of Imam Ali (A.S.) as one of the most prominent Islamic thinkers, as well as in international human rights documents. Nahj al-Balagha, which is a compilation of Imam Ali's (A.S.) speeches, letters, and maxims, is recognized as one of the most important Islamic sources in the field of human rights and individual and social freedoms. In this valuable work, Imam Ali (A.S.) emphasizes the principle of religious freedom and the non-coercion in accepting religion, condemning any form of discrimination and limitation in this regard. This view aligns with and is consistent with the principles stated in the Universal Declaration of Human Rights and other international human rights documents. Furthermore, both Nahj al-Balagha and international human rights documents emphasize fundamental human rights such as the right to life, freedom, security, and equality. Imam Ali (A.S.) stresses equality among humans and the protection of their rights, asserting that all individuals are equal in terms of rights and rewards, and no one has superiority over another. This perspective aligns with the principle of human dignity and non-discrimination outlined in the Universal Declaration of Human Rights. Additionally, both sources address topics such as freedom of expression and belief. This shows that the teachings of Nahj al-Balagha and international human rights documents share significant harmony and alignment in the field of human rights and individual and social freedoms. In conclusion, it can be said that Nahj al-Balagha, as one of the most outstanding works in the spiritual and cultural heritage of the Islamic world, is in harmony with international human rights documents in terms of religious freedom and other human rights. This highlights the importance and special position of this work in the explanation and realization of human rights.

Keywords

Religious Freedom, Human Rights, Nahj al-Balagha, Universal Declaration of Human Rights, and International Human Rights Covenants

1. Master's in Law, Tehran South Branch, Islamic Azad University, Faculty of Law and Political Science, Tehran, Iran. alirezamousae110@gmail.com